

نامه های



منصور هاشمی خراسانی

شماره: ۲۶

موضوع: فرازی از نامه‌ی آن جناب که در آن درباره‌ی شدت گرفتن بلا هشدار می‌دهد و علت آن و راه جلوگیری از آن را تبیین می‌کند.

بسم الله الرحمن الرحيم

جهان در آتش بلا می‌سوزد و مردم در غفلت خود بازی می‌کنند! می‌گویند: علت این بیماری همه‌گیر چیست؟! و این خشکسالی و گرمای مهلک؟! و این سیل‌ها و زلزله‌های پی در پی؟! و این تنگدستی و گرانی ارزاق؟! و این ترس و ناآرامی عمومی؟! آیا سهوی از کسی سر زده، یا مکرری در کار بوده، یا رویدادی طبیعی است؟! ای جاهلان! آن چیزی است که دست‌های خودتان پیش فرستاده و از باورها و کارهای خودتان نشأت گرفته است!

آیا پنداشته‌اید که اگر کافر شوید و به خداوند و خلیفه‌اش در زمین پشت کنید و حاکمانی دیگر اختیار نمایید، به شما آسیبی نخواهد رسید؟! یا پنداشته‌اید که اگر ظلم کنید و خون مردم را به ناحق بریزید و اموال آنان را به باطل بخورید و در رباخواری و شهوترانی غرق شوید و گناه بر گناه بیفزایید، پی‌آمدی نخواهد داشت؟! چنین نیست! می‌بینید که چنین نیست! بلکه کفر شما آتشی خواهد شد و شما را خواهد سوخت و گناهانتان گردبادی و شما را خواهد برد، تا آن گاه که از شما جز اندکی در غارها و شکاف صخره‌ها و جاهای دورافتاده باقی نمانند! آیا این را بعید می‌دانید یا می‌پندارید که ممکن نیست؟! مانند اقوامی در گذشته که اندازهای پیامبران را باور نکردند و جدی نگرفتند و گفتند: «مَا تَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ»؛ «ما هرگز عذاب نخواهیم شد»، تا آن گاه که عذاب بر آنان فرود آمد و همه‌ی شان را هلاک کرد؛ پس از برخی نشانی نماند و از برخی ویرانه‌ای ماند که خانه‌ی بوم و دد است! بی‌گمان هنگامی که برقش را دیدند و رعدش را شنیدند دریافتند که اندازهای پیامبران راست بود، ولی چه سود که دیگر فرصتی برای توبه و اصلاح نبود؟!

۱. الشعراء / ۱۳۸

اینک شما به جای آنان آمده‌اید و بر زمین‌هایی که روزگاری مسکن آنان بود، سکونت گزیده‌اید، در حالی که هنوز فرصتی برای توبه و اصلاح دارید، ولی پیداست که عاقبت آنان را از یاد برده‌اید؛ زیرا کارهایی را انجام می‌دهید که آنان انجام می‌دادند و چون شما را انذار می‌دهم، چونانکه پیامبران آنان را انذار می‌دادند، انذارم را باور نمی‌کنید و جدّی نمی‌گیرید، چونانکه آنان انذار پیامبران را باور نمی‌کردند و جدّی نمی‌گرفتند و می‌گویید: ﴿مَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ﴾؛ «ما هرگز عذاب نخواهیم شد»، چونانکه آنان می‌گفتند! پس با این حال، آیا توقع چیزی جز عاقبت آنان را دارید؟! از چه رو؟! آیا می‌پندارید که سنّت خداوند تغییر کرده یا قدرتش زایل شده است؟! یا به شما امان‌نامه‌ای بی‌قید و شرط داده است؟! یا با شما خویشاوندی دارد؟! یا از کارهایی که انجام می‌دهید، بی‌خبر است؟! یا حریف ابزارها و سلاح‌های جدیدتان نمی‌شود؟! یا از کثرت جمعیت و وسعت شهرهاتان اندیشناک است؟! چنین نیست، بل او همان است که پیش‌تر بود و شما هر چند ذره را بشکافید و به آسمان بالا روید و برج‌هایی بس بلند بسازید، برای او با گذشتگان یکسانید! آیا پوست و گوشت و استخوان نیستید و تنها یک جان ندارید؟!!

پس از او بترسید و بر او جرأت نورزید و حلم او را بر بی‌خبری یا ناتوانی یا خشنودی او حمل نکنید و او را با باورهای نادرست و کارهای زشت به خشم نیاورید! آیا می‌خواهید که از آسمان بر سرتان سنگی نازل کند یا آتشی که شما را بسوزاند؟! یا گرما را چنان بیفزاید که بپزید یا سرما را که یخ بزنید؟! یا سطح دریاها را بالا آورد تا شهرهاتان را فراگیرند؟! یا گرد و غبار غلیظ را برانگیزد تا نتوانید تنفس کنید؟! یا قحطی را به جایی رساند که سگ و گربه را بخورید؟! یا بیماری‌های مرگبارتری در میانتان شایع سازد تا اجساد یکدیگر را از معابر جمع کنید؟! یا یاجوج و ماجوج را بر شما مسلط کند تا مردانتان را سر بُرند و زنانتان را به کنیزی برند؟! یا بلایی دیگر بر سرتان آورد که نمی‌توانید تصوّر کنید؟!!

وای بر شما! چه اندازه بی‌پروا شده‌اید! آیا چیزی نیست که شما را بترساند و به سوی پروردگارتان بازگرداند؟! گیرم از انسانیت برائت جسته‌اید و حیوانیت اختیار کرده‌اید؛ آیا حیوان از صاحب خود نمی‌ترسد و راه طویله‌اش را نمی‌شناسد؟! مگر سنگ شده‌اید و دیگر احساسی ندارید؟! اگر اهمّیتی نمی‌دهید که چه بلایی بر سرتان می‌آید، پس بر فرزندان و فرزندان فرزندان تا هفت نسل رحم کنید که ناگزیر خواهند بود تاوان باورها و کارهای شما را بپردازند! آیا اهمّیتی نمی‌دهید که چه بلایی بر سر آنان خواهد آمد؟!!

در حالی که شما را نفرین خواهند کرد و خواهند گفت: «خداوند آنان را نیامرزد! چرا که با حماقت خود ما را بدبخت کردند!» و البته نفرین آنان مستجاب خواهد شد؛ زیرا آنان را در مهلکه‌ای انداخته‌اید که تا هفت نسل از آن بیرون نتوانند آمد! ...

خداوند شما را بکشد! انگار که کر شده‌اید و سخنم را نمی‌شنوید! یا مستید و نمی‌فهمید چه می‌گوییم! چرا واکنشی نشان نمی‌دهید؟! مگر مرده‌اید؟! یا صاعقه‌ای به شما خورده است، پس خشکیده‌اید؟! چه کرده‌اید که تا این اندازه خسته و افسرده‌اید؟! چه خورده‌اید که چنین وارفته‌اید و سست و بی‌عار شده‌اید؟! در حالی که خرها کاه می‌خورند و بار می‌برند و فریادشان گوش را می‌خراشد! جهان را به آتش کشیده‌اید و به نظاره نشسته‌اید! ظالمان را بر خود مسلط کرده‌اید، پس هر کاری که می‌خواهند با شما می‌کنند، ولی دستی نمی‌جنبانید! تنها در خلوت آهی می‌کشید و غری می‌زنید، چونانکه گویی دخترکان یا پیرزنانید! آیا غیرتی در شما نیست که چوب ظلم در شلوارتان کرده‌اند و جز «آخ» نمی‌گویید؟! چرا این خفت را می‌پذیرید و این رنج روزافزون را تحمل می‌کنید؟! چرا حق خود را نمی‌ستانید و فتنه را فرو نمی‌نشانید؟! چرا با من همراه نمی‌شوید تا این شیران را براندازیم و به جایشان کسی را برگماریم که خداوند برگزیده است، تا زمین را از عدالت پر کند چونانکه از ظلم پر شده است؟! چرا من را یاری نمی‌کنید تا رشته‌ی کار را از دست اینان بگیریم و به امامی عادل از آل محمد بسپاریم؟!^۱ آیا عدالت را دوست نمی‌دارید و به خوشبختی راغب نیستید؟! در حالی که عدالت از عسل شیرین‌تر و از مُشک خوشبوتر و از گل کوکب^۲ زیباتر است، اگر بدانید! یا می‌ترسید که شما را بگیرند یا بکشند؟! در حالی که مرگ از زیستن در ذلت زیر سایه‌ی ظالمان بهتر است، اگر بیندیشید! یا چشم به عالمان و بزرگانان دوخته‌اید که با آنان ساخته‌اند و در برابر ظلمشان ساکت نشسته‌اند؟! در حالی که عالمان و بزرگانان مشتی خائن و فرومایه‌اند و برای آنان دخمه‌ای در قعر دوزخ است؛ چرا که دنیا را به آخرت ترجیح داده‌اند و بهشت برین را به نامی یا نانی فروخته‌اند! یا از رحمت خداوند نومید شده‌اید و پنداشته‌اید که خلیفه‌ای برای او در زمین نیست؟! در حالی که رحمت خداوند منقطع نمی‌شود و زمین از خلیفه‌اش خالی نمی‌ماند، ولی بیشترتان غافلید!

۱. منظور، مهدی است.

۲. گلی بسیار زیبا، درشت و پُرپر با رنگ‌های مختلف که به آن «دالیا» می‌گویند.

پس اینک ندای من را بشنوید و دعوتم را اجابت کنید، پیش از آنکه دیر شود و روزی بر شما بیاید که بر امثال شما در گذشته آمد؛ پس از روی زمین برداشته شوید، چونانکه آنان برداشته شدند و به آتشی سوزان انداخته شوید که گوشت را می‌بلعد و استخوان را سیاه می‌کند، پس از مرگی هولناک و قبری تاریک که در آن فشاری چونان فشار منگنه^۱ است!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ حرانی



۱. دستگاه فشردن؛ ماشینی که با آن دانه‌ها یا میوه‌ها را برای گرفتن آب یا روغن از آن‌ها می‌فشارند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورها شیخ حرانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.

صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه تلگرام پایگاه

صفحه فیس‌بوک پایگاه

لینک سایت لوق